

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Barriers to the Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Iranian Law: Analysis and Reform Proposals

1. Behzad Mobaraki*: Department of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: b.mobaraki12@gmail.com (Corresponding Author)

ABSTRACT

Arbitration is considered one of the most important and widely used methods for resolving international commercial disputes. Despite the enactment of the International Commercial Arbitration Act in Iran, numerous obstacles still hinder the enforcement of foreign arbitral awards. These obstacles may arise from legal gaps and ambiguities, inconsistent judicial practices, broad interpretation of the concept of public order, as well as political and economic constraints. This study examines the legal foundations and regulatory framework governing foreign arbitration in Iran, identifies and analyzes the key challenges and obstacles. Additionally, through a comparative study of leading legal systems and international standards, solutions and reform proposals are presented to address the existing deficiencies. These solutions include amending domestic laws, establishing specialized courts for international arbitration disputes, providing a more precise definition of public order, and enhancing international cooperation through accession to or more rigorous implementation of global conventions. Ultimately, the study concludes that overcoming legal and practical barriers in Iran will facilitate foreign trade and investment and significantly strengthen global confidence in the Iranian legal system.

Keywords: *Foreign arbitration, enforcement of arbitral awards, International Commercial Arbitration Act, public order, Iranian law, New York Convention, international judicial cooperation.*

How to cite: Mobaraki, B. (2024). Barriers to the Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Iranian Law: Analysis and Reform Proposals. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 305-126.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 14 November 2024
Revise Date: 10 December 2024
Accept Date: 25 December 2024
Publish Date: 30 December 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

موانع اجرای احکام داوری خارجی در حقوق ایران: تحلیل و پیشنهادات اصلاحی

۱. بهزاد مبارکی*: گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.. پست الکترونیک:

b.mobaraki12@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

داوری یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی به‌شمار می‌رود. با وجود تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در ایران، همچنان موانع متعددی در مسیر اجرای احکام داوری خارجی مشاهده می‌شود. این موانع می‌تواند ناشی از خلأها و ابهامات قانونی، رویه‌های قضایی متشتت، تفسیر موسع از مفهوم نظم عمومی و نیز محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی باشد. در این پژوهش، پس از بررسی مبانی و چارچوب قانونی حاکم بر داوری خارجی در ایران، چالش‌ها و موانع اصلی شناسایی و تحلیل می‌شود. همچنین با بهره‌گیری از مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی پیشرو و استانداردهای بین‌المللی، راهکارها و پیشنهادات اصلاحی برای رفع کاستی‌های موجود ارائه می‌گردد. این راهکارها شامل اصلاح قوانین داخلی، ایجاد شعب تخصصی برای رسیدگی به دعاوی داوری بین‌المللی، تعریف دقیق‌تر از نظم عمومی و گسترش همکاری‌های بین‌المللی از طریق الحاق یا اجرای جدی‌تر کنوانسیون‌های جهانی است. در نهایت، پژوهش نتیجه می‌گیرد که رفع موانع حقوقی و اجرایی در ایران، ضمن تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، گامی مؤثر در جهت تقویت اعتماد جامعه جهانی به نظام حقوقی ایران خواهد بود.

واژگان کلیدی: داوری خارجی، اجرای احکام داوری، قانون داوری تجاری بین‌المللی، نظم عمومی، حقوق ایران، کنوانسیون نیویورک، همکاری قضایی بین‌المللی.

نحوه استناددهی: مبارکی، بهزاد. (۱۴۰۳). موانع اجرای احکام داوری خارجی در حقوق ایران: تحلیل و پیشنهادات اصلاحی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۴)، ۳۰۵-۳۲۶.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۴ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۵ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳



در عصر کنونی، با گسترش روزافزون مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی، ضرورت بهره‌گیری از سازوکارهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی به‌نحو کارآمد و سریع بیش از پیش احساس می‌شود. در میان روش‌های مختلف حل اختلاف نظیر دادگستری‌های ملی، میانجیگری، سازش و داوری، داوری به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود مانند تخصصی‌بودن، انعطاف‌پذیری، محرمانه‌ماندن روند رسیدگی و سرعت نسبی در صدور رأی، توانسته است جایگاه ویژه‌ای در عرصه تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی پیدا کند (Al-Fahdawi & Al-Juboary, 2022). به همین دلیل، کشورهای مختلف جهان تلاش کرده‌اند تا با پذیرفتن و تسهیل اجرای آرای داوری خارجی در نظام حقوقی خود، ضمن فراهم آوردن اطمینان حقوقی برای تجار و سرمایه‌گذاران، زمینه شکوفایی اقتصادی خویش را نیز فراهم سازند.

با وجود تلاش‌های ایران در ورود به عرصه داوری بین‌المللی، از جمله تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶، همچنان برخی موانع و مشکلات در زمینه اجرای احکام داوری خارجی در نظام حقوقی کشور به‌چشم می‌خورد. این موانع نه‌تنها باعث طولانی‌شدن روند رسیدگی و افزایش هزینه‌ها می‌شود، بلکه گاه با بی‌اعتمادی به کارآمدی نظام حقوقی ایران همراه است و می‌تواند بر تمایل فعالان اقتصادی خارجی به سرمایه‌گذاری در ایران اثر منفی بگذارد. از این‌رو شناخت عمیق این موانع و ارائه راهکارهای اصلاحی در جهت ارتقای وضعیت حقوق داوری در ایران، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

ابتدا به بیان مسئله و اهمیت موضوع خواهیم پرداخت، سپس مروری کوتاه بر پیشینه و ادبیات تحقیق انجام می‌شود. در ادامه، اهداف و ضرورت‌های انجام این پژوهش تبیین شده و پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش به همراه فرضیات احتمالی مطرح می‌گردد. در نهایت، روش تحقیق که مبتنی بر توصیف و تحلیل اسناد کتابخانه‌ای و مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی پیشروست، توضیح داده می‌شود.

داوری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حل و فصل اختلافات تجاری، مسیری هموارتر نسبت به دادگاه‌های داخلی فراهم می‌کند؛ چراکه در محیطی تخصصی‌تر و با الزام به رعایت اصول حاکم بر داوری، اختلافات به‌سرعت بررسی می‌شوند. در روابط فرامرزی، این روش به‌دلیل انعطاف در انتخاب قانون حاکم، زبان و مقر رسیدگی می‌تواند بازیگران اقتصاد جهانی را ترغیب کند که بدون نگرانی از پیچیدگی‌های نظام‌های قضایی متعدد، به مبادلات کلان دست بزنند. باین‌حال، صدور رأی داوری به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت حقوقی و اقتصادی طرفین را تضمین کند؛ بلکه آنچه نقش اساسی دارد، اجرای مؤثر آرای داوری است. بدین‌ترتیب، اگر کشوری فرایند شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی را با موانع قانونی یا رویه‌ای روبه‌رو کند، عملاً داوری و مزایای آن را تضعیف کرده و در نتیجه، سرمایه‌گذاران و تجار بین‌المللی را دلسرد خواهد کرد (Bashiri & Nouri, 2017).

در محیط رقابتی بازارهای جهانی، زمان، هزینه و اطمینان حقوقی از مولفه‌های اصلی تصمیم‌گیری تجار و سرمایه‌گذاران خارجی به‌شمار می‌رود. داوری به‌گونه‌ای طراحی شده که روند حل اختلاف را تسریع کند و ضمن رعایت استانداردهای دادرسی عادلانه، از بروکراسی پیچیده دادگاه‌های داخلی بکاهد (Fulena & Chittoo, 2023). افزون بر آن، محرمانه‌بودن روند داوری برای شرکت‌های بزرگ، خصوصاً در رقابت با سایر بازیگران بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، نبود یا ضعف در فرایند اجرای رأی داوری می‌تواند کل سیستم داوری را بی‌اعتبار سازد.

در نظام حقوقی ایران، با وجود تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی و برخی تلاش‌ها برای هماهنگی با استانداردهای جهانی، هنوز موانعی نظیر تفسیرهای متفاوت و گاه متعارض از نظم عمومی، عدم تخصص کافی برخی قضات در موضوع داوری بین‌المللی، طولانی‌شدن فرایند

اجرای آرای داوری و نیز وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی مشاهده می‌شود. چنین چالش‌هایی در نهایت منجر به بی‌اعتمادی تجار خارجی در خصوص تضمین اجرای آرای داوری در ایران می‌گردد و ممکن است ایران را از چرخه اصلی مبادلات تجاری بین‌المللی دور سازد. از این رو، شناخت دقیق این چالش‌ها و ارائه راهکارهای علمی، می‌تواند بر بهبود امنیت حقوقی و رونق اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد (Campbell, 2024).

در حوزه اجرای احکام داوری خارجی در ایران، تحقیقات و مقالات متعددی نوشته شده است. عموماً این مطالعات به اهمیت قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ اشاره کرده و خلأها و ابهامات آن را مورد بحث قرار داده‌اند. برخی پژوهشگران نیز با بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی پیشرو مانند انگلستان، فرانسه و سوئیس، سعی در ارائه پیشنهادت قانونی داشته‌اند. با این حال، بیشتر این تحقیقات یا به بررسی‌های نظری و کلی بسنده کرده‌اند یا تنها به یکی از جنبه‌های خاص داوری (نظیر مفهوم نظم عمومی، صلاحیت دادگاه‌ها یا شرایط شکلی اجرای احکام) پرداخته‌اند (Naqib Ishan, 2014).

در سطح بین‌المللی، قانون نمونه آنسیترال (UNCITRAL Model Law) که توسط کمیسیون سازمان ملل متحد در امور تجارت بین‌الملل تدوین شده، الگوی بسیار مهمی برای کشورهای است که می‌خواهند قوانین داوری خود را با استانداردهای جهانی همسو کنند (Lowe, 2018; Nahnybida, 2020). همچنین کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی معروف به کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸)، نقش بی‌بدیلی در تضمین روند اجرای رأی در سطح بین‌المللی دارد. توجه به این دو سند کلیدی در پژوهش حاضر، ضروری است تا معیارهای بین‌المللی به‌درستی شناسایی و با وضعیت حقوقی ایران مقایسه شود.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی موانعی است که در نظام حقوقی ایران مانع از اجرای مؤثر، به‌موقع یا کامل آرای داوری خارجی می‌شود. این موانع ممکن است ریشه در ساختار قانونی داشته باشند یا به رویکرد و رویه مراجع قضایی برگردند. تبیین این موانع به‌صورت دقیق و مستند، زمینه را برای ارائه راهکارهای اصلاحی فراهم خواهد کرد.

یکی از رسالت‌های مهم پژوهش‌های علمی در حوزه حقوق، پیشنهاد راهکارهای عینی و قابل‌اجراست. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با تکیه بر مطالعه تطبیقی و بررسی تجارب موفق کشورهای که توانسته‌اند بستر مطلوبی برای داوری بین‌المللی فراهم کنند، پیشنهاداتی متناسب با ساختار حقوقی ایران و ظرفیت‌های موجود کشور ارائه شود. این اصلاحات می‌تواند در سطح قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌های اجرایی و حتی در شیوه عملکرد قضات و کارکنان قضایی صورت پذیرد. لذا، پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. مهم‌ترین موانع اجرای آرای داوری خارجی در ایران کدام‌اند؟

۲. چه اصلاحاتی می‌تواند به تسهیل و تسریع اجرای آرای داوری خارجی کمک کند؟

در این پژوهش، ابتدا سعی می‌شود با مطالعه مستندات قانونی، کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات پیشین، تصویری کامل از وضعیت موجود در ایران به‌دست آید. سپس از طریق روش تحلیل، خلأها، تناقض‌ها و کاستی‌های قانون‌گذاری یا اجرایی شناسایی خواهد شد. این رویکرد توصیفی - تحلیلی به پژوهشگر اجازه می‌دهد با نگاهی دقیق‌تر به قوانین و رویه‌های قضایی کشور، موانع را ریشه‌یابی کرده و راهکارهای مؤثری برای رفع آن‌ها پیشنهاد کند.

برای رسیدن به راهکارهای کاربردی، بسنده کردن به تحلیل وضعیت داخلی کافی نیست. از این رو، در این پژوهش از مطالعه تطبیقی با نظام‌های حقوقی چند کشور پیشرو (نظیر انگلستان، فرانسه و سوئیس) استفاده خواهد شد. همچنین قواعد بین‌المللی نظیر قانون نمونه آنسیترال و

کنوانسیون نیویورک به‌عنوان اسناد اصلی حاکم بر داوری بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی نحوه پیاده‌سازی مقررات داوری در این کشورها و اسناد بین‌المللی، می‌تواند الگویی روشن برای برطرف کردن موانع در ایران ارائه دهد.

مبانی نظری و مفاهیم

مبانی نظری و مفاهیم، زیربنای اصلی یک پژوهش حقوقی را تشکیل می‌دهد و تبیین روشن مفاهیم کلیدی از جمله داوری، داوری خارجی و اصول حاکم بر آن، برای درک عمیق مباحث بعدی ضروری است. در ابتدا به تعریف داوری خارجی و تمایز آن از داوری داخلی پرداخته خواهد شد و سپس مفهوم اجرای آرای داوری خارجی و تفاوت آن با شناسایی رأی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، نقش نظم عمومی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در رد یا پذیرش اجرای آرای داوری خارجی بررسی می‌شود و نهایتاً دیگر مبانی حقوقی مؤثر، همچون اصل حاکمیت ملی و ملاحظات بین‌المللی، تبیین می‌گردد.

به‌طور کلی، داوری فرایندی است که در آن طرفین اختلاف، شخص یا نهاد بی‌طرفی را برمی‌گزینند تا در مورد مسئله مورد اختلاف، بررسی و اظهارنظر نموده و در نهایت رأیی الزام‌آور صادر کند. این سازوکار در سطح ملی و بین‌المللی کاربرد دارد، اما تمایز میان داوری داخلی و داوری بین‌المللی یا خارجی معمولاً بر پایه شاخص‌هایی همچون تابعیت یا اقامتگاه طرفین، محل اجرای قرارداد یا محل وقوع داوری صورت می‌گیرد (Azaria, 2020; Waincymer, 2009).

- داوری داخلی: هنگامی مطرح می‌شود که تمامی عناصر موضوع اختلاف (از جمله محل اجرای تعهد، محل انعقاد قرارداد و تابعیت طرفین) در چارچوب یک کشور قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی، قواعد آیین دادرسی مدنی کشور مربوطه منبای اصلی رسیدگی داور قرار می‌گیرد.

- داوری بین‌المللی یا خارجی: در صورتی است که اختلاف، واجد عناصری فراتر از مرزهای یک کشور باشد و به بیان دیگر، حاوی عنصر بین‌المللی باشد؛ برای مثال، طرفین دارای تابعیت‌های مختلف باشند یا اجرای قرارداد در دو کشور متفاوت صورت بگیرد. در چنین مواردی، قانون حاکم بر رسیدگی داوری می‌تواند قانون ملی یکی از کشورها یا مقررات فراملی (نظیر اصول آنستیرال) باشد. همچنین محل داوری ممکن است در کشوری ثالث تعیین شود.

تفاوت این دو نوع داوری از آن جهت اهمیت دارد که اجرای آرای داوری خارجی معمولاً مستلزم طی فرایندهای شناسایی و اجرای ویژه در دادگاه‌های داخلی است، درحالی‌که آرای داوری داخلی بیشتر تحت قانون آیین دادرسی همان کشور قرار می‌گیرد.

داوری بین‌المللی امروزه مهم‌ترین روش حل اختلاف در تجارت فرامرزی محسوب می‌شود. علت این امر را می‌توان در ویژگی‌هایی همچون انعطاف‌پذیری در تعیین قوانین حاکم، سرعت عمل نسبی در رسیدگی، هزینه‌های کمتر نسبت به دادگاه‌های خارجی، تخصصی بودن رسیدگی و محرمانه بودن جلسات جستجو کرد. افزون بر این، رأی داوری در نظام‌های حقوقی مختلف، اغلب اعتبار و الزام‌آوری بالایی دارد و امکان اجرای آن، به‌واسطه کنوانسیون‌های جهانی (نظیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸) در بسیاری از کشورها تسهیل می‌شود. این امر برای فعالان اقتصادی که در بازار بین‌المللی فعالیت می‌کنند، اطمینان‌بخش است و ریسک‌های تجاری و حقوقی آنان را کاهش می‌دهد (Harris, 2020). در ایران نیز با تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۶) و الحاق به برخی کنوانسیون‌های مرتبط، تلاش شده تا شرایط مساعدتری برای داوری خارجی فراهم شود. با این حال، در عرصه عمل، موانع متعددی پیش‌روی اجرای صحیح و سریع آرای داوری خارجی وجود دارد که بررسی آن‌ها ضروری است (Thomas & Dhillon, 2017).

در بحث داوری، دو مفهوم «شناسایی» (Recognition) و «اجرا» (Enforcement) از لحاظ حقوقی تمایز مهمی دارند:

۱. شناسایی رأی داوری: بدان معناست که دادگاه یک کشور، اعتبار قانونی رأی صادره از داوری را به رسمیت بشناسد؛ به عبارت دیگر، درستی و مشروعیت آن رأی را تأیید کند، حتی اگر اقدامات اجرایی نسبت به آن صورت نگیرد. به عنوان مثال، اگر رأی داوری حکمی را مبنی بر وجود تعهد برای یکی از طرفین اعلام کند و همین اعلام برای اهداف حقوقی کافی باشد، «شناسایی رأی» می تواند نقش مفیدی داشته باشد.
۲. اجرای رأی داوری: منظور، فرایندی است که طی آن رأی داوری، قابلیت اجرایی پیدا کرده و ضمانت اجرای قضایی برای الزام طرف محکوم علیه به انجام مفاد رأی فراهم می شود. از این منظر، «اجرای» رأی دربردارنده اقدام عملی دادگاه یا نهاد ذی صلاح برای تحمیل حکم بر طرف ممتنع (برای مثال، توقیف اموال یا برداشت از حساب های بانکی وی) است. در بسیاری از موارد، دادگاه ابتدا باید رأی داوری خارجی را «شناسایی» کند تا در گام بعدی، «اجرای» آن میسر شود. فرایند شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی معمولاً در چارچوب مقررات آیین دادرسی مدنی یا قوانین ویژه داوری انجام می گیرد. وقتی داوری در خارج از ایران یا تحت قواعد یک نهاد داوری بین المللی برگزار و منجر به صدور رأی می شود، محکوم له (فرد یا نهادی که رأی به نفع اوست) برای بهره مندی از آثار عملی رأی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران، باید مراحل را طی کند:
۱. درخواست صدور گواهی شناسایی از دادگاه صالح: در گام نخست، ذی نفع رأی داوری در دادگاه صالح ایران (معمولاً دادگاه عمومی حقوقی در تهران یا محل اقامت خوانده یا محل وقوع اموال وی) تقاضای شناسایی رأی می کند و مستندات لازم نظیر متن رأی داوری به زبان اصلی و ترجمه رسمی آن را ارائه می دهد.
۲. بررسی دادگاه در خصوص شرایط شناسایی: دادگاه در این مرحله ممکن است مطابق با مقررات قانون داوری تجاری بین المللی یا کنوانسیون های بین المللی، مواردی نظیر «رعایت تشریفات قانونی صدور رأی داوری»، «عدم مغایرت با نظم عمومی ایران» و «عدم تجاوز به صلاحیت انحصاری دادگاه های داخلی» را مد نظر قرار دهد.
۳. صدور حکم شناسایی و جواز اجرا: در صورت احراز شرایط قانونی، دادگاه حکم شناسایی رأی داوری را صادر و جواز اجرای آن را اعلام می کند.
۴. اجرای رأی: محکوم له می تواند از ابزارهای قضایی موجود نظیر توقیف اموال محکوم علیه در ایران، ممنوع الخروجی وی یا سایر روش های اجرای احکام مدنی برای وصول حقوق خود استفاده کند. البته در این مسیر، خوانده (محکوم علیه) نیز ممکن است برای رد شناسایی یا جلوگیری از اجرای رأی، به دلایلی نظیر نقص در تشریفات داوری، تعارض رأی با نظم عمومی یا فقدان صلاحیت داوران استناد کند که هر یک از این موارد در مراحل بعدی پژوهش بررسی خواهد شد. نظم عمومی (Public Policy) مفهومی است که حدود و ثغور آن در نظام های حقوقی مختلف، یکسان نیست. در حقوق ایران، مطابق با آموزه های فقهی و قانونی، «نظم عمومی» به مجموعه ای از اصول و ارزش هایی اطلاق می شود که برای جامعه، حائز اهمیت حیاتی هستند و نقض آن ها می تواند اساس جامعه یا دولت را به مخاطره بیندازد. گاه این مفهوم با «اخلاق حسنه» (Bonos Mores) نیز پیوند می خورد (Barbosa & Loreto, 2017; Linderfalk, 2015). در حقوق بسیاری از کشورها، تلاش شده است تا حد امکان تعریف نسبتاً مشخصی از نظم عمومی ارائه شود یا دست کم در رویه قضایی چارچوبی برای آن ترسیم گردد.

در برخی نظام‌های حقوقی پیشرفته مانند فرانسه، دو نوع نظم عمومی «داخلی» (Internal Public Policy) و «بین‌المللی» (International Public Policy) تفکیک می‌شود. این تمایز بدین معناست که گاه ممکن است رفتاری در قلمرو داخلی یک کشور با نظم عمومی آن کشور در تعارض باشد؛ اما از منظر نظم عمومی بین‌المللی که بر روابط فرامرزی حاکم است، چندان خللی ایجاد نکند (Fulena & Chittoo, 2023; Reisman et al., 2015; Schmalenbach, 2022). در ایران، تفکیک فوق در قوانین به صراحت نیامده است و قضات معمولاً با استناد به یک نظم عمومی کلی، رأی داوری خارجی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. همین امر، تفسیر وسیع یا سلیقه‌ای از نظم عمومی را تسهیل می‌کند.

در حقوق بین‌الملل داوری، مهم‌ترین استناد برای ردّ اجرای آرای داوری خارجی، تعارض با نظم عمومی است. حتی کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ نیز، در ماده ۵(ب)، «مغایرت با نظم عمومی» را یکی از موانع اصلی اجرای رأی برمی‌شمرد. در حقوق ایران نیز هم در قانون داوری تجاری بین‌المللی و هم در آیین دادرسی مدنی، به این مسئله تصریح شده است.

با این حال، همواره این خطر وجود دارد که «نظم عمومی» بهانه‌ای برای جلوگیری از اجرای آرای داوری شود؛ چراکه تعریف واضح و چهارچوب‌مندی از آن وجود ندارد و چنین اطلاقی ممکن است فضای مداخله قضایی و برداشتهای متفاوت را گسترش دهد. در نتیجه، لازم است ملاک‌های عینی‌تری برای «مغایرت با نظم عمومی» در آرای داوری ارائه شود تا اعتماد فعالان اقتصادی خارجی به ایران افزایش یابد و در عین حال، هنجارهای اساسی جامعه ایرانی نیز حفظ گردد.

یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق بین‌الملل عمومی، اصل حاکمیت ملی (National Sovereignty) است که به کشورها اجازه می‌دهد در قلمرو خود، قانون‌گذاری کنند و امور قضایی را تحت کنترل خویش داشته باشند (Azaria, 2020; Harris, 2020). بدیهی است که پذیرش و اجرای آرای داوری خارجی، تا حدی از حاکمیت ملی می‌کاهد؛ زیرا تصمیم‌گیری نهایی در اختلافی که در قلمرو داخلی تأثیر دارد، به نهادی بیرون از حاکمیت ملی (داور یا هیئت داوری خارجی) سپرده شده است. از این رو، هر کشوری ناگزیر است مرزی برای پذیرش این احکام تعریف کند.

در ایران نیز این مسئله مطرح می‌شود که آیا احکام داوری خارجی می‌تواند ناقض حاکمیت ملی باشد یا خیر. البته می‌توان گفت اصل حاکمیت ملی ایجاب می‌کند که تصمیم‌گیری درباره اجرای یا عدم اجرای این گونه آرای خارجی در اختیار دادگاه‌های ایران باشد. بنا بر همین اصل، دادگاه ایران موظف است بررسی کند که آیا رأی صادره با نظم عمومی، اخلاق حسنه یا قوانین آمره داخلی تعارض دارد یا خیر.

در دنیای کنونی، همکاری قضایی بین دولت‌ها و پذیرش اصل «ضرورت تضمین حقوق و تعهدات طرفین در اختلافات فرامرزی» به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین ابزارها برای رسیدن به این هدف، کنوانسیون نیویورکدر زمینه شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است که اغلب کشورهای مهم جهان به آن ملحق شده‌اند. مفاد این کنوانسیون، دادگاه‌های ملی را ترغیب می‌کند تا اصل را بر شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی قرار دهند و صرفاً در موارد استثنایی (نظیر عدم رعایت تشریفات داوری یا تعارض با نظم عمومی) از اجرای رأی امتناع ورزند.

افزون بر کنوانسیون نیویورک، سایر اسناد و موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه در حوزه همکاری‌های قضایی نیز می‌توانند فرآیند اجرای آرای داوری خارجی را تسهیل کنند. برای مثال، برخی کشورها در چارچوب معاهدات دوجانبه، توافق می‌کنند که آرای داوری یا احکام قضایی

یکدیگر را با حداقل تشریفات بشناسند و اجرا کنند. از این رو، الحاق مؤثر ایران به این کنوانسیون‌ها و ارتقای سطح همکاری بین‌المللی، می‌تواند گامی مهم در راستای تسهیل اجرای آرای داور خارجی باشد و در کنار آن، فضا را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی امن‌تر نماید.

چارچوب قانونی داور خارجی در ایران

با توجه به افزایش روزافزون مبادلات تجاری بین‌المللی و ضرورت حل و فصل سریع و کارآمد اختلافات ناشی از آن، بررسی چارچوب قانونی حاکم بر داور خارجی در ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. این چارچوب از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود: از یک سو، قوانین و مقررات داخلی که مستقیماً روند داور بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، و از سوی دیگر، اسناد و معاهدات بین‌المللی که ایران در آن‌ها عضویت دارد یا باید مطابق با استانداردهای آن‌ها عمل کند. در کنار این دو بخش، رویه قضایی ایران نیز نقش بسزایی در تعیین سرنوشت آرای داور خارجی ایفا می‌کند؛ زیرا در نهایت، دادگاه‌های ایرانی هستند که باید درباره شناسایی و اجرای این آرای داور تصمیم بگیرند. در ادامه، ابعاد مختلف این چارچوب قانونی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. قوانین داخلی

هم‌زمان با رشد روابط اقتصادی میان ایران و سایر کشورها و پیچیده‌تر شدن اختلافات فرامرزی، قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۷۶ «قانون داور تجاری بین‌المللی ایران» را تصویب کرد. این قانون، با الهام از قانون نمونه آنسیترال (UNCITRAL Model Law)، در صدد بود ساختاری پیشرفته و هم‌راستا با استانداردهای بین‌المللی برای حل اختلافات تجاری فراهم کند تا بازرگانان داخلی و خارجی با اطمینان بیشتری به داور روی آورند.

ماده ۱ این قانون، مصادیق داور بین‌المللی را دقیقاً مشخص کرده است. از جمله اینکه اگر حداقل یکی از طرفین دعوا تابعیتی غیر داخلی داشته یا اقامتگاه او در خارج از کشور باشد، یا اجرای تعهد در خارج از ایران صورت بگیرد، قانون داور تجاری بین‌المللی حاکم خواهد بود. در نتیجه چنین رویکردی، اگر اختلاف میان دو شخص ایرانی با تابعیت داخلی رخ دهد، اصولاً از مقررات آیین دادرسی مدنی پیروی می‌شود (Chen, 2023) و در صورت ورود عنصری بین‌المللی، نوبت به قانون داور تجاری بین‌المللی می‌رسد.

بر اساس این قانون، طرفین می‌توانند درباره نحوه تعیین داور یا هیئت داور و نیز قانون حاکم بر داور توافق کنند. استقلال شرط داور نیز مورد حمایت ویژه قرار گرفته است؛ بدین معنا که حتی در صورت فسخ یا بطلان قرارداد اصلی، شرط داور به‌عنوان توافقی مستقل باقی می‌ماند. افزون بر آن، قانون‌گذار در خصوص کنترل قضایی بر رأی داور نیز مقررات خاصی در نظر گرفته که در برخی شرایط مانند مغایرت حکم داور با نظم عمومی یا نادیده گرفتن قواعد اساسی دادرسی، امکان ابطال یا عدم شناسایی رأی را فراهم می‌کند.

پیش از تصویب قانون داور تجاری بین‌المللی، قواعد داور در حقوق ایران عمدتاً در آیین دادرسی مدنی جای داشت و ناظر بر داور داخلی بود. با این حال، هنوز هم در برخی موارد که قانون داور تجاری بین‌المللی ساکت است، مقررات آیین دادرسی مدنی می‌تواند تکمیل‌کننده امور مرتبط با داور خارجی باشد.

در صورت صدور رأی داور در خارج از کشور، شخصی که رأی به سود او صادر شده باید ابتدا از دادگاه صلاحیت‌دار ایرانی درخواست شناسایی کند و در مرحله بعد، فرآیند اجرای رأی را دنبال کند. آیین دادرسی مدنی در این مرحله، ضوابطی برای پذیرش احکام خارجی دارد و باید قواعد عمومی پذیرش یک حکم خارجی رعایت شود. همچنین، اجرای عملیات لازم نظیر توقیف اموال یا دیگر تدابیر اجرایی نیز معمولاً با استناد به قانون آیین دادرسی مدنی یا قانون اجرای احکام مدنی صورت می‌گیرد.

در عمل، برخی تداخل‌ها میان قواعد داوری تجاری بین‌المللی و مقررات آیین دادرسی مدنی به تشدید رویه یا ابهامات تفسیری انجامیده است. از جمله مباحث بحث‌برانگیز می‌توان به تعریف «نظم عمومی» یا تعیین مرجع صلاحیت‌دار برای شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی اشاره کرد که گاه نیازمند تفسیر قضایی گسترده است.

۲. کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی

کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) را می‌توان مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی دانست که اکثر کشورهای مهم دنیا به آن پیوسته‌اند. اصلی‌ترین کارکرد آن، تعهد کشورهای عضو به شناسایی و اجرای آرای داوری صادره در سایر کشورهای عضو با حداقل تشریفات است، مگر در شرایطی استثنایی مانند تعارض رأی با نظم عمومی کشور محل اجرا.

ایران در سال ۱۳۸۰ با شروطی مشخص به این کنوانسیون ملحق شد. اگرچه این اقدام گامی مثبت در راستای همسویی با استانداردهای جهانی محسوب می‌شود، اما تفسیر و اعمال مواد کنوانسیون در محاکم داخلی هنوز با دشواری‌هایی روبه‌رو است. برخی دادگاه‌ها با استناد گسترده به مفاهیمی چون نظم عمومی، از اجرای آرای داوری خارجی خودداری می‌کنند یا فرایند شناسایی رأی را بیش از حد طولانی می‌سازند. در نتیجه، الحاق اسمی به کنوانسیون نیویورک کافی نیست و نیازمند هماهنگی عملی و اجتهاد قضایی منسجم در اجرای مفاد آن است.

علاوه بر کنوانسیون نیویورک، برخی اسناد یا کنوانسیون‌های دیگر نیز می‌توانند بر اجرای آرای داوری تأثیر گذارند. برای نمونه، کنوانسیون سازمان همکاری اسلامی (OIC) یا کنوانسیون واشنگتن موسوم به ICSID که درباره حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها و اتباع خارجی است، از جمله این موارد است. ایران هرچند در مواردی به این اسناد ملحق شده یا تمایل به همکاری دارد، اما اجرای آن‌ها همچنان با محدودیت یا ابهام روبه‌روست (Fulena & Chittoo, 2023).

انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین ایران و سایر کشورها در زمینه همکاری قضایی نیز می‌تواند روند شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی را تسهیل کند. بسیاری از کشورها از این ابزار برای تضمین حسن اجرای احکام تجاری و قضایی خود بهره می‌گیرند. با این حال، ایران هنوز معاهدات اندکی در این حوزه دارد و گسترش این موافقت‌نامه‌ها به‌ویژه با شرکای تجاری عمده، می‌تواند اثر چشمگیری بر سهولت اجرای آرای داوری خارجی بر جای بگذارد.

۳. رویه قضایی داخلی

اگرچه تصویب قوانین و الحاق به کنوانسیون‌ها نشان‌دهنده اراده قانون‌گذار است، اما در نهایت عملکرد دادگاه‌ها و قضات است که سرنوشت عملی آرای داوری خارجی را رقم می‌زند. مطالعات تطبیقی و پژوهش‌های انجام‌شده بر روی آرای صادره از دادگاه‌های ایران حاکی از آن است که در مواردی، قضات با تکیه بر تعبیر کلی نظیر نظم عمومی یا صلاحیت داور، شناسایی آرای داوری را رد کرده‌اند. این امر مانعی جدی در مسیر توسعه داوری و جذب سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شود.

دشواری عمده در تحلیل کامل رویه قضایی، انتشار محدود و نامنظم آرای دادگاه‌هاست. بسیاری از احکام صادره در زمینه داوری خارجی ثبت رسمی یا علنی نمی‌شوند و همین موضوع، پژوهشگران را از داشتن تصویری شفاف و جامع درباره جهت‌گیری قضات ایرانی محروم می‌کند. وحدت رویه در موضوعاتی که با خلاهای قانونی روبه‌رو هستند، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد انسجام قضایی و پیش‌بینی‌پذیری نتایج اختلاف دارد. در نظام قضایی ایران، هیئت عمومی دیوان عالی کشور می‌تواند با صدور آرای وحدت رویه، به تفسیری واحد از قوانین دست یابد؛ اما در زمینه داوری بین‌المللی، آراء وحدت رویه یا اصراری بسیار کمی صادر شده است و بخش عمده‌ای از مسائل، در فضای تفسیری قرار دارد.

هنگامی که دادگاه‌های مختلف در تفسیر مقررات داوری و کنوانسیون‌های بین‌المللی رویکردی متفاوت در پیش بگیرند، سرمایه‌گذاران و بازیگران خارجی با ریسک بالایی از بابت اجرا یا عدم اجرای آرای خود مواجه می‌شوند. این وضعیت می‌تواند موجب کاهش تمایل آن‌ها به انعقاد قرارداد با طرف‌های ایرانی شود یا آن‌ها را به گنجانیدن شروط داوری در کشورهای ثالث ترغیب کند. از سوی دیگر، روند رسیدگی در ایران نیز پیچیده و طولانی خواهد شد؛ چراکه احتمال ارجاع مکرر پرونده به دادگاه‌های تجدیدنظر و بالاتر افزایش می‌یابد (Bashiri & Nouri, 2017).

چارچوب قانونی و عملی داوری خارجی در ایران از سه منظر قوانین داخلی، معاهدات بین‌المللی و رویه قضایی قابل ارزیابی است. در بخش قوانین داخلی، «قانون داوری تجاری بین‌المللی» مصوب ۱۳۷۶ تلاش کرده تا با الگوبرداری از قانون نمونه آنسیترال، سازوکاری منسجم برای داوری خارجی فراهم کند. آیین دادرسی مدنی نیز در مقام مکمل و گاه جایگزین این قانون، نقشی مهم در فرایند شناسایی و اجرای آرای داوری ایفا می‌کند. در بعد بین‌المللی، الحاق به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ نقطه عطفی در رویکرد ایران به داوری به‌شمار می‌رود، اما هنوز در اجرای عملی کنوانسیون و تفسیر صحیح مفاد آن موانعی وجود دارد. افزون بر آن، کمبود معاهدات قضایی دوجانبه یا چندجانبه نیز بر دشواری روند اجرای آرای داوری خارجی می‌افزاید.

سرانجام، مطالعه رویه قضایی نشان می‌دهد که کمبود وحدت رویه، تفسیر موسع از نظم عمومی و ابهام در صلاحیت داور از جمله مشکلاتی است که موجب طولانی‌شدن روند شناسایی و اجرای آرای داوری در ایران می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان گفت که هرچند ایران از حیث قانون‌گذاری قدم‌هایی روبه‌جلو برداشته، ولی برای تبدیل شدن به یک کشور دوستدار داوری در عمل، نیازمند اصلاحات بیشتر و راهکارهای عملی گسترده‌تری است. در فصول بعدی، موانع و مشکلات با جزئیات بیشتری تشریح خواهد شد و راهکارهای پیشنهادی برای رفع آن‌ها ارائه خواهد گردید.

موانع و مشکلات داخلی

در این، تمرکز اصلی بر موانع و مشکلاتی است که در چارچوب داخلی ایران مانع از اجرای مؤثر و به‌موقع آرای داوری خارجی می‌شود. این موانع، گاه در بطن قوانین موجود ریشه دارد و گاه ناشی از رویه‌های غیرتخصصی و عدم آمادگی نهادهای قضایی و اداری است. در ادامه، چهار دسته مانع عمده بررسی می‌شوند: موانع قانونی، موانع رویه‌ای و قضایی، مفهوم موسع نظم عمومی و مشکلات اداری و بوروکراتیک.

۱. موانع قانونی

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (مصوب ۱۳۷۶) در تطابق با قانون نمونه آنسیترال تدوین شده و گامی مهم در راستای بهبود فضای داوری محسوب می‌شود. با این حال، این قانون در مقایسه با برخی نظام‌های پیشرو، همچنان در موضوعاتی مانند معیارهای تشخیص «بین‌المللی» بودن داوری، رویه‌های مرتبط با ادله اثبات دعوی، و روش‌های جایگزین برای تعیین محل داوری (در صورت اختلاف طرفین) فاقد تصریح کافی است. برخی از این خلأها به‌طور اجمال در قانون ذکر شده، اما در مقام عمل، قضات و طرفین داوری را با پرسش‌های متعدد مواجه می‌کند. مقررات آیین دادرسی مدنی، تاریخی طولانی در حقوق ایران دارد و بخش‌هایی از آن مربوط به داوری داخلی است. گاه موادی از این قانون با روح بین‌المللی قانون داوری تجاری ناسازگار یا مبهم است. برای نمونه، تعارض در صلاحیت رسیدگی به اعتراض نسبت به رأی داوری یا عدم تطابق قواعد ابلاغ اوراق دعوی با استانداردهای بین‌المللی، از مواردی است که می‌تواند رویه قضایی را دچار سردرگمی کند.

از زمان تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی، تحولات چشم‌گیری در عرصه داوری بین‌المللی رخ داده است. قواعد نوین آنسیترال و کنوانسیون‌های جدید، رویکردهای مبتکرانه‌ای برای تضمین بی‌طرفی داوران، تسهیل همکاری دادگاه‌های ملی با داوران و بهره‌گیری از روش‌های الکترونیکی در داوری ارائه داده‌اند. باین‌وجود، قانون داوری ایران به‌روزرسانی نشده و همین امر می‌تواند سبب فاصله‌گرفتن از استانداردهای جهانی شود.

طبق قانون آیین دادرسی مدنی، ضمانت‌اجراهای مشخصی برای اجرای آرای قضایی پیش‌بینی شده است؛ از جمله توقیف اموال، ممنوع‌الخروجی محکوم‌علیه و... اما درخصوص آرای داوری، به‌ویژه داوری خارجی، متن قانون داوری تجاری بین‌المللی به‌گونه‌ای صریح و تفصیلی به این ضمانت‌اجراها اشاره نکرده است. در نتیجه، برخی قضات همچنان دچار تردید هستند که آیا می‌توان همان مکانیزم‌های اجرای احکام قضایی را به‌طور کامل در مورد آرای داوری اعمال کرد یا خیر.

در بسیاری از موارد، داور برای حفظ حقوق طرفین، دستورها یا تدابیر موقتی صادر می‌کند (مانند دستور عدم نقل و انتقال یک مال یا حکم موقت بر پرداخت). در حقوق داوری بین‌المللی، لازم است دادگاه‌های ملی از این دستورها حمایت کنند. اما در ایران، رویه قضایی و قانونی مشخص و شفاف برای حمایت از تدابیر موقت داور خارجی وجود ندارد و به همین دلیل، اگر طرفی از اجرای دستور موقت خودداری کند، داور و محکوم‌له با چالش جدی مواجه می‌شوند.

۲. موانع رویه‌ای و قضایی

داوری خارجی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که علاوه بر دانش عمیق حقوقی، مستلزم آشنایی با استانداردهای بین‌المللی، تسلط بر زبان خارجی و درک موضوعات تجاری و بازرگانی است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، شعب یا دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به اختلافات داوری بین‌المللی تشکیل می‌شود و قضاتی که دوره‌های تخصصی را گذرانده‌اند، در این شعب مشغول به کار می‌شوند.

در ایران، اگرچه برخی محاکم تا حدی با موضوع داوری بین‌المللی آشنا شده‌اند، اما تاکنون سازوکار نظام‌مندی برای گزینش و تربیت قضات متخصص در حوزه داوری خارجی ایجاد نشده است. این امر موجب می‌شود برخی قضات درک دقیقی از تفاوت داوری بین‌المللی با داوری داخلی نداشته باشند و اصول آمره‌ای که در قراردادها و دعوای داخلی مصداق دارد را به داوری خارجی تسری دهند.

همان‌طور که در قبل اشاره شد، قوانین ایران در زمینه داوری خارجی کمتر دارای آرای وحدت رویه یا تصمیمات اصراری هستند که بتواند راهگشای محاکم در مواجهه با پرونده‌های مشابه باشد. نتیجه، صدور آرای متعارض در موارد مشابه است؛ به‌طوری‌که یک شعبه، رأی داوری را مغایر نظم عمومی تشخیص می‌دهد و شعبه دیگر، این مغایرت را وارد نمی‌داند.

افزون بر طولانی‌شدن رسیدگی‌ها، صدور آرای متناقض از سوی محاکم، بی‌اعتمادی طرفین خارجی را در پی دارد؛ چراکه آنان نمی‌توانند پیش‌بینی نمایند در صورت صدور رأی داوری به نفعشان، در کدام دادگاه باید اقدام کنند یا رأیشان تحت چه شرایطی ممکن است رد شود.

در بهترین حالت، شناسایی و اجرای رأی داوری در ایران ممکن است چندین ماه به طول بینجامد؛ چراکه باید مرحله رسیدگی اولیه، ابلاغ اوراق، اعتراض احتمالی محکوم‌علیه و سپس رسیدگی به اعتراض در دادگاه بالاتر طی شود. در صورت تعارض با نظم عمومی یا اختلاف در تفسیر صلاحیت، این زمان طولانی‌تر خواهد شد.

از سوی دیگر، هزینه دادرسی برای شناسایی و اجرای رأی داور خارجی می‌تواند قابل توجه باشد. همچنین وکیل یا نمایندگان حقوقی‌ای که در چنین پرونده‌هایی فعالیت می‌کنند، حق‌الوکاله بالاتری نسبت به دعاوی داخلی دریافت می‌نمایند. این عوامل، انگیزه طرفین برای مراجعه به داور را در برخی موارد تضعیف می‌کند.

۳. مفهوم موسع نظم عمومی

در حقوق ایران و بسیاری از کشورها، «نظم عمومی» مفهومی کلیدی برای حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جامعه تلقی می‌شود؛ اما در عین حال، آن قدر کلی و انعطاف‌پذیر است که در مواردی تبدیل به ابزاری برای ردّ اجرای آرای داور خارجی می‌شود. برخی قضاات، حتی تعهدات مالی که در قراردادهای تجاری برعهده یکی از طرفین گذاشته شده را با مفاهیم کلی عدالت و انصاف، سنجیده و در صورت مغایرت با برداشت شخصی خود، آن را مخالف نظم عمومی تشخیص می‌دهند.

ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران اجرای هر حکم یا قراردادی را که مخالف اخلاق حسنه باشد، ممنوع می‌داند. هرچند این حکم در وهله اول منطقی به نظر می‌رسد، اما وقتی به‌طور موسع تعبیر شود، می‌تواند رأی داور را که هیچ تعارض آشکاری با قوانین آمره ندارد، تحت این عنوان متوقف سازد. نداشتن یک استاندارد مشخص و عینی برای ارزیابی مغایرت با اخلاق حسنه، فضای سوءاستفاده یا تفسیر افراطی را باز می‌گذارد.

در برخی کشورها، آیین‌نامه یا دستورالعمل‌های قضایی روشنی برای تفسیر نظم عمومی تدوین شده و به قضاات ابلاغ شده است. برای مثال، دکترین حقوقی و رویه قضایی فرانسه، بین «نظم عمومی داخلی» و «نظم عمومی بین‌المللی» تفاوت قائل است تا دامنه مداخلات دادگاه را محدودتر کند. در ایران، چنین دستورالعمل صریحی وجود ندارد و همین امر می‌تواند منجر به تشتت آراء شود (Chen, 2023; Fulena & Chittoo, 2023; Harris, 2020).

برای تشخیص اینکه رأی داور خارجی با نظم عمومی ایران مغایرت دارد یا خیر، باید معیارهای روشن و ثابتی وجود داشته باشد. این معیارها می‌تواند شامل حقوق اساسی کشور، قوانین آمره و ارزش‌هایی باشد که نقض آن‌ها باعث اختلال عمده در نظم و امنیت جامعه می‌شود. هرچه این معیارها دقیق‌تر باشد، آزادی عمل قضاات در تفسیر سلیقه‌ای محدودتر می‌گردد و امنیت حقوقی افزایش می‌یابد.

۴. مشکلات اداری و بوروکراتیک

برای صدور و اجرای آرای داور خارجی، دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی ممکن است وارد عمل شوند؛ از دادگاه عمومی و دادگاه تجدیدنظر گرفته تا اداره اجرای احکام مدنی، دفاتر ثبت اسناد، بانک مرکزی (در صورت نیاز به نقل و انتقال ارزی)، نیروی انتظامی (درخصوص ممنوع‌الخروجی) و... . هماهنگی بین این نهادها همواره آسان نیست و این مسئله گاه موجب طولانی‌تر شدن فرایند اجرای رأی می‌شود. در شرایط ایدئال، باید سامانه‌ای الکترونیکی یا دست‌کم رویه‌ای منسجم وجود داشته باشد تا در کوتاه‌ترین زمان، صدور و اجرای رأی داور هماهنگ گردد. اما در عمل، ممکن است هر کدام از نهادها تشریفات مخصوص خود را داشته باشند و اطلاعات یکدیگر را به‌موقع مبادله نکنند. این عدم ارتباط سریع و کارآمد، روند اجرای رأی را به‌شدت مختل می‌سازد.

گاهی برای شناسایی و اجرای رأی داور خارجی، لازم است چندین مجوز یا تأییدیه اخذ شود؛ برای مثال، تأیید اصالت ترجمه رسمی رأی داور توسط قوه قضاییه، اخذ تأییدیه پلیس گذرنامه برای ممنوع‌الخروجی، دریافت دستور قضایی برای توقیف اموال از اداره ثبت یا بانک مرکزی، و... . هر کدام از این مراحل، زمان‌بر است و ممکن است منجر به تأخیر قابل توجهی شود (Barbosa & Loreto, 2017).

نکته دیگر آن است که در برخی موارد، مقررات موازی از سوی نهادهای مختلف وضع می‌شود؛ مثلاً در بحث ارزی و بانکی، بخشنامه‌های بانک مرکزی گاه با رویه دادگاه ناسازگار است. یا در زمینه مالکیت اموال غیرمنقول، اداره ثبت اسناد و املاک الزاماتی دارد که ممکن است در قانون به صراحت نیامده باشد. این بی‌نظمی قانونی یا اجرایی، اجرای آرای داوری را برای محکوم‌له دشوار می‌سازد.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که موانع و مشکلات داخلی در ایران در زمینه اجرای آرای داوری خارجی، طیف وسیعی از چالش‌ها را دربر می‌گیرد. از یک‌سو، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران دارای ابهاماتی است که با وجود گذشت چند دهه از تصویب، به‌روزرسانی لازم را تجربه نکرده و همچنان در موارد متعددی سکوت دارد. از سوی دیگر، خلأ در ضمانت‌اجراهای صریح و کافی برای آرای داوری، اعتماد طرف‌های خارجی را مخدوش می‌کند. در حوزه قضایی نیز فقدان دادگاه‌های تخصصی و وحدت رویه، اجرای آرای داوری را به امری زمان‌بر و پرهزینه بدل کرده و تفسیر موسع و بدون معیار از «نظم عمومی» یا «اخلاق حسنه»، راه را برای ردّ آرای داوری خارجی حتی در مواردی که واقعاً تعارضی با ارزش‌های بنیادین جامعه ندارد، هموار می‌سازد.

علاوه بر این، مشکلات اداری و بوروکراتیک، در قالب تعدد نهادهای درگیر و نبود ارتباط مؤثر میان آن‌ها، روند اجرای رأی داوری را بیش از پیش پیچیده می‌کند. نبود یک مسیر شفاف و سراسر برای اخذ مجوزها، تأییدیه‌ها و اقدامات اجرایی مرتبط، نهایتاً می‌تواند محکوم‌له را از پیگیری حقوق خود منصرف کند یا وی را دچار اتلاف وقت و هزینه‌های فراوان نماید (Chen, 2023).

در مجموع، رفع این موانع نیازمند اصلاحات گسترده در سطح قانون‌گذاری، ایجاد شعب تخصصی و رویه‌های وحدت‌بخش، تهیه دستورالعمل‌های شفاف درخصوص نظم عمومی و اخلاق حسنه، و همچنین بهبود ساختار اداری و اجرایی در نهادهای مختلف است. در فصل‌های بعدی، علاوه بر بررسی موانع بین‌المللی و تعارض قوانین، راهکارهای عملی و اصلاحی برای رفع این مشکلات پیشنهاد خواهد شد.

موانع بین‌المللی و تعارض قوانین

در کنار موانع داخلی، برخی چالش‌ها و موانع در سطح بین‌المللی نیز وجود دارد که ممکن است بر روند اجرای آرای داوری خارجی در ایران تأثیر بگذارد. این موانع عمدتاً به «تعارض قوانین»، «عدم همکاری قضایی گسترده» و «تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی» مربوط می‌شوند. در ادامه، مهم‌ترین این موانع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تعارض قوانین

در دعای داوری بین‌المللی، طرفین معمولاً طبق اصل آزادی قرارداد، قانون حاکم بر اختلاف خود را تعیین می‌کنند. این قانون ممکن است مقررات یک کشور دیگر یا حتی قواعد فراملی (نظیر اصول کلی حقوق تجارت بین‌الملل) باشد. چنانچه قانون انتخاب‌شده با قواعد آمره ایران در تضاد قرار گیرد، دادگاه ایرانی در مقام شناسایی یا اجرای رأی داوری ممکن است با استناد به مغایرت با نظم عمومی از آن جلوگیری کند. این وضعیت زمانی پیچیده‌تر می‌شود که برخی مقررات داخلی ایران با مفاد قانون حاکم بر قرارداد داوری کاملاً ناسازگار باشد.

گاه در قرارداد میان طرفین، «قانون حاکم» به‌طور صریح تعیین نشده یا به‌صورت کلی به «قواعد عمومی بازرگانی بین‌المللی» ارجاع داده شده است. در چنین شرایطی، داور یا دادگاه مجبور است با ابزارهای حقوق بین‌الملل خصوصی، قانون مناسب را برای حل اختلاف تعیین کند. اگر قانون برگزیده‌شده در تضاد جدی با مقررات آمره یا اخلاق حسنه ایران تشخیص داده شود، احتمال ردّ اجرای رأی داوری افزایش می‌یابد (20).

همچنین اگر ایران خود را صالح به رسیدگی نداند و در عین حال، دولت یا مرجع دیگری نیز صلاحیت را نپذیرد، وضعیت تعلیق و بلا تکلیفی در اجرای رأی به وجود می‌آید.

۲. عدم همکاری قضایی گسترده

یکی از مؤثرترین راه‌ها برای تضمین اجرای آرای داوری خارجی، بهره‌مندی از معاهدات همکاری قضایی است. در بسیاری از موارد، کشورها با امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه (Treaty) یا چندجانبه، توافق می‌کنند که آرای داوری یا قضایی یکدیگر را با حداقل تشریفات شناسایی و اجرا کنند. متأسفانه تعداد چنین معاهداتی که ایران با سایر کشورها دارد، محدود است و این امر، همکاری قضایی در سطح بین‌المللی را تضعیف می‌کند.

۳. عدم عضویت یا اجرای مؤثر کنوانسیون نیویورک و سایر اسناد الزام‌آور بین‌المللی

هرچند ایران به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ ملحق شده، اما در عمل، اجرای کامل و مؤثر آن به دلایل مختلفی مانند تفسیر گسترده از استثنایای نظم عمومی، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و گاه خلأهای قانونی یا رویه‌ای با چالش مواجه شده است. افزون بر کنوانسیون نیویورک، برخی اسناد مهم دیگر مانند کنوانسیون واشنگتن (ICSID) برای حل اختلافات سرمایه‌گذاری یا کنوانسیون‌های منطقه‌ای نیز می‌توانند نقش مهمی در تسهیل اجرای آرای داوری ایفا کنند که ایران یا عضو آنها نیست یا در صورت عضویت، اجرای جدی آنها را پیگیری نمی‌کند.

۴. تأثیر تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی

تحریم‌ها از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند اجرای آرای داوری خارجی را به شدت دشوار سازند. اگر حکم داوری مستلزم پرداخت وجهی به محکوم‌له خارجی باشد، محدودیت‌های بانکی و ارزی اعمال‌شده علیه ایران یا در ایران، می‌تواند انتقال پول را ناممکن یا بسیار دشوار کند. این مسئله نه تنها حق محکوم‌له را تضییع می‌کند، بلکه موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به قابلیت اجرای آرای داوری در ایران می‌شود.

بسیاری از بانک‌های خارجی به دلیل ریسک تحریم‌های ثانویه از انجام تراکنش‌های مالی با ایران خودداری می‌کنند یا هزینه و کارمزد بالایی برای چنین نقل و انتقال‌هایی دریافت می‌کنند. در نتیجه، حتی اگر از نظر قضایی، رأی داوری خارجی در ایران به رسمیت شناخته شود، فرایند عملی پرداخت غرامت یا جبران خسارت به دریافت‌کننده خارجی، ممکن است متوقف یا به شدت پرهزینه شود. این وضعیت می‌تواند اجرای عملی رأی داوری را عملاً با بن‌بست روبه‌رو کند.

مطالعه تطبیقی

مطالعه تطبیقی از ابزارهای مهم پژوهش حقوقی است که از طریق آن می‌توان نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران را در قیاس با کشورهای پیشرو و استانداردهای بین‌المللی شناسایی و برای اصلاحات داخلی الگوبرداری کرد. در ادامه، ابتدا به مرور برخی از نظام‌های حقوقی پیشرفته در حوزه اجرای آرای داوری خارجی می‌پردازیم. سپس، استانداردها و رویه‌های بین‌المللی نظیر قانون نمونه آنسیترال و کنوانسیون نیویورک بررسی شد.

فرانسه: این کشور از پیشگامان عرصه داوری بین‌المللی است و در قوانین خود، تفکیکی روشن بین «نظم عمومی داخلی» و «نظم عمومی بین‌المللی» قائل است. دادگاه‌های فرانسه در موارد محدودی، آرای داوری خارجی را با استناد به نظم عمومی رد می‌کنند و به‌طور کلی، رویکردی حامی داوری دارند.

انگلیس: قانون داوری انگلیس (۱۹۹۶) از ساختاری پیشرفته برخوردار است و دادگاه‌های این کشور عموماً سعی دارند مداخلات قضایی در روند داوری را به حداقل برسانند. رویه دادگاه‌های انگلیس در اجرای آرای داوری بسیار منسجم و سریع است و استناد به نظم عمومی در این کشور، محدود به موارد واقعاً ضروری است.

سوئیس: به واسطه شهرت خود در بی طرفی و ثبات قضایی، یکی از مهم‌ترین مراکز داوری بین‌المللی جهان به شمار می‌رود. قوانین سوئیس حداکثر انعطاف را در انتخاب قانون حاکم و شیوه رسیدگی داوری به طرفین می‌دهد و دادگاه‌های سوئیس نیز فقط در موارد استثنایی، مانع اجرای آرای داوری می‌شوند.

۱. شیوه مواجهه دادگاه‌های این کشورها با نظم عمومی

در هر سه کشور یادشده، دادگاه‌ها اصل را بر اجرای آرای داوری خارجی می‌گذارند و تنها در صورت مغایرت آشکار و جدی رأی با هنجارهای اساسی اجتماعی (مانند خلاف بودن موضوع با اخلاق عمومی یا قوانین جزایی ضروری) اقدام به ردّ اجرای رأی می‌نمایند. این رویکرد به گسترش فضای امن و قابل پیش‌بینی برای بازرگانان و سرمایه‌گذاران خارجی کمک شایانی کرده است.

۲. استانداردها و رویه‌های بین‌المللی

بررسی قانون نمونه آنسیترال (UNCITRAL Model Law) و نقش آن در تسهیل داوری بین‌المللی

قانون نمونه آنسیترال در سال ۱۹۸۵ تدوین و سپس در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ اصلاح شده است. این قانون تلاش می‌کند سازوکار واحد و جامعی برای اداره داوری‌های بین‌المللی ارائه دهد تا کشورها بتوانند با اقتباس از آن، قوانین داخلی خود را به استانداردهای جهانی نزدیک کنند. برخی اصول مهم آن عبارت‌اند از:

- اصل استقلال شرط داوری.
- اصل حداقل مداخله دادگاه‌ها در فرایند داوری.
- ضابطه‌مندکردن «نظم عمومی» و محدودکردن موارد ابطال رأی داوری.
- بسیاری از کشورها با تصویب قانون داوری ملی خود بر مبنای این قانون نمونه، توانسته‌اند نظام داوری انعطاف‌پذیری شکل دهند و اعتماد بازرگانان خارجی را جلب کنند.

مبانی کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) در شناسایی و اجرای آرای داوری

کنوانسیون نیویورک مهم‌ترین سند الزام‌آور بین‌المللی درخصوص داوری خارجی است که تاکنون بیش از ۱۶۰ کشور به آن پیوسته‌اند. طبق مفاد این کنوانسیون:

- دادگاه‌های کشورهای عضو موظف‌اند آرای داوری خارجی را شناسایی و اجرا کنند، مگر در موارد استثنایی (مواردی همچون بطلان موافقت‌نامه داوری، عدم رعایت تشریفات دادرسی اساسی یا مغایرت صریح با نظم عمومی کشور محل اجرا).
- تشریفات شناسایی نباید آن‌قدر دشوار باشد که عملاً اجرای رأی را ناممکن سازد.
- طرفین می‌توانند به موجبات عدم اجرای رأی که در ماده ۵ این کنوانسیون برشمرده شده، استناد نمایند؛ اما اصل بر حمایت از آرای داوری است.

این کنوانسیون نقش اساسی در ایجاد وحدت رویه جهانی درخصوص اجرای آرای داوری ایفا می‌کند و کشورهای عضو، در رقابت برای جلب سرمایه‌گذاران، همواره تلاش دارند با رعایت مفاد آن، فضایی مطمئن و منسجم برای داوری بین‌المللی ایجاد کنند.

جدول ۱. مقایسه‌ای دربارهٔ اجرای آرای داوری خارجی در چند کشور منتخب

ردیف	کشور	قانون/چارچوب اصلی	رویکرد به نظم عمومی	ویژگی‌های برجسته در اجرای آرای داوری
۱	فرانسه	قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (نسخ اصلاحی)، مقررات ICC و غیره	تفکیک «نظم عمومی داخلی» و «نظم عمومی بین‌المللی»؛ محدود به موارد جدی	-حمایت گسترده از اصل استقلال شرط داوری -حداقل مداخله دادگاه در جریان داوری
۲	انگلیس	قانون داوری ۱۹۹۶	بسیار محدود و فقط برای مقابله با تضاد شدید با اصول بنیادین	-دادگاه‌های تجاری تخصصی -فرآیند منسجم شناسایی و اجرای آرای داوری
۳	سوئیس	قانون داوری بین‌المللی سوئیس (PILA)	نگاه حداقلی، فقط در تعارض آشکار با مبانی اساسی حقوقی	-شهرت در بی‌طرفی و ثبات قضایی -مرکزیت در داوری‌های تجاری بین‌المللی
۴	ایران	قانون داوری تجاری بین‌المللی (۱۳۷۶)، آیین دادرسی مدنی	تعریف نامشخص و گاه موسع (خلاً تمایز داخلی/بین‌المللی)	-تشتت رویه قضایی -ابهام در تعریف و دامنه نظم عمومی -زمان‌بر بودن تشریفات

در مجموع، بررسی موانع بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران علاوه بر چالش‌های داخلی، با مسائلی نظیر تعارض قوانین، عدم همکاری قضایی گسترده و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند. این موانع می‌توانند روند شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی را دشوارتر ساخته و در نهایت، فضای امن حقوقی مورد نیاز سرمایه‌گذاران و تجار بین‌المللی را تضعیف نمایند.

از سوی دیگر، مطالعه تطبیقی با نظام‌های حقوقی موفق در عرصه داوری نظیر فرانسه، انگلیس و سوئیس و همچنین مرور استانداردهای بین‌المللی (قانون نمونه آنسیترال و کنوانسیون نیویورک) نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران می‌تواند از تجربیات و دستاوردهای این کشورها بهره‌گیرد. به‌روزرسانی قانون داوری تجاری بین‌المللی، تحدید استثناهای مرتبط با نظم عمومی، ایجاد شعب تخصصی در دادگاه‌ها و تقویت تعهدات بین‌المللی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به بهبود فضای داوری در ایران و اعتمادسازی برای فعالان اقتصادی خارجی بینجامد.

پیشنهادات اصلاحی و راهکارها

پس از شناسایی موانع اصلی در اجرای آرای داوری خارجی در ایران، اکنون نوبت آن است که به ارائه راهکارهای اصلاحی بپردازیم. این راهکارها در چند محور اصلی قابل طرح‌اند که شامل اصلاح قوانین داخلی، ایجاد شعب تخصصی، تعیین معیارهای شفاف برای نظم عمومی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و بهبود رویه‌های اجرایی می‌شود. هر یک از این محورها می‌تواند به‌صورت مجزا یا در تعامل با یکدیگر، موجب تسهیل و تسریع روند اجرای آرای داوری خارجی در نظام حقوقی ایران گردد.

۱. اصلاحات قانونی

با توجه به گذشت بیش از دو دهه از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی و تحول قابل توجه در عرصه داوری بین‌المللی، بازنگری در این قانون امری ضروری است. این بازنگری می‌تواند شامل تصریح دقیق‌تر شرایط اجرای آرای داوری خارجی، تضمین بی‌طرفی داوران، تعیین تکلیف صریح در خصوص وظایف دادگاه‌های داخلی و تطبیق مفاد قانون با آخرین اصلاحات قانون نمونه آنستیرال باشد.

پیشنهاد می‌شود در بازنگری جدید، موادی در خصوص نحوه حمایت دادگاه‌های داخلی از تدابیر موقت داور، نحوه ابلاغ الکترونیکی اوراق داوری و مستندات و نیز معیارهای دقیق‌تر برای ابطال یا عدم شناسایی رأی داوری پیش‌بینی شود.

در کنار اصلاحات قانونی، لازم است آیین‌نامه‌هایی تدوین گردد تا گام‌به‌گام و عملیاتی، روند شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی را برای ذی‌نفعان (از جمله قضات، وکلا، کارمندان دادگاه و...) تبیین نماید.

در این آیین‌نامه‌ها می‌توان مسائل مهمی نظیر نحوه ارائه مستندات لازم، شیوه اعتراض و نحوه اعمال نظر کارشناسی در صورت لزوم را به شکل صریح قاعده‌مند نمود. این شفافیت، از بروز تشتت و تعارض در آرای محاکم جلوگیری می‌کند.

۲. ایجاد شعب تخصصی در محاکم داخلی

داوری خارجی حوزه‌ای تخصصی است و آشنایی دقیق با مقررات بین‌المللی، رویه‌های داوری و مفاهیم کلیدی همچون «نظم عمومی بین‌المللی» برای قضات ضروری است. از این رو، پیشنهاد می‌شود در دادگاه‌های تجاری یا شعب ویژه‌ای در دادگاه‌های عمومی، قضاتی که آموزش‌های لازم را دیده‌اند، به پرونده‌های داوری بین‌المللی اختصاص یابند. این قضات می‌توانند با افزایش مهارت و تجربه، رویه‌ای واحد و علمی‌تر در خصوص رسیدگی به درخواست‌های شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ایجاد نمایند.

۳. تسریع در رسیدگی و پرهیز از تعارض آرای قضایی

تشکیل شعب تخصصی، علاوه بر ارتقای کیفیت رسیدگی، موجب کاهش زمان دادرسی نیز خواهد شد؛ زیرا قضاتی که با این حوزه آشنا هستند، کمتر با ابهامات قانونی مواجه می‌شوند.

همچنین این شعب با تعامل منظم با یکدیگر و تبادل تجربیات قضایی، می‌توانند از صدور آرای متضاد جلوگیری کرده و در بلندمدت زمینه شکل‌گیری وحدت رویه قضایی را فراهم نمایند.

۴. تعیین معیارهای شفاف برای نظم عمومی

پیشنهاد می‌شود قوه قضاییه یا مراجع عالی قضایی، دستورالعملی شفاف تهیه نمایند که در آن، معیارهای اصلی برای تشخیص مغایرت با نظم عمومی یا اخلاق حسنه تعریف شود. این دستورالعمل می‌تواند محدوده دخالت دادگاه در ردّ یا ابطال آرای داوری خارجی را تبیین کند؛ به نحوی که فقط در موارد مغایرت جدی و آشکار با هنجارهای اساسی جامعه یا قوانین آمره حقوقی، مانع اجرای رأی داوری شوند.

بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، تمایزی میان نظم عمومی صرفاً داخلی و نظم عمومی بین‌المللی قائل می‌شوند و این به محدودتر شدن دامنه ردّ آرای داوری خارجی کمک می‌کند. شایسته است که در ایران نیز با الگوبرداری از تجربه کشورهایمانند فرانسه، قضات در مواردی که موضوع فقط با الزامات حقوق داخلی مرتبط است، با احتیاط بیشتری ورود کنند و اصل را بر اجرای رأی داوری قرار دهند. در مواردی که تضادی جدی با ارزش‌های بنیادین اجتماعی و حقوقی وجود دارد، امکان ردّ رأی فراهم باشد.

۵. گسترش همکاری‌های بین‌المللی

ایران اگرچه به کنوانسیون نیویورک ملحق شده، اما لازم است در اجرای عملی آن، اقدامات جدی صورت گیرد. در صورتی که حق شرط‌هایی فراتر از موارد متعارف در الحاقنامه ایران درج شده باشد، باید بررسی شود که آیا حذف یا اصلاح آن‌ها امکان‌پذیر است تا اجرای کنوانسیون را تسهیل نماید. رعایت مفاد کنوانسیون و ارائه آموزش‌های لازم به قضات و وکلا درباره استثنای این کنوانسیون، گامی اساسی در ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران در زمینه داوری محسوب می‌شود.

معاهدات دوجانبه قضایی یا بازرگانی که در آن، شناسایی و اجرای آرای داوری مورد تأکید قرار می‌گیرد، می‌تواند فرآیند داوری را برای طرفین خارجی اطمینان‌بخش‌تر سازد. با توجه به اینکه ایران با برخی کشورها حجم بالایی از تبادلات تجاری دارد، انعقاد چنین معاهداتی در اولویت قرار گیرد تا در عمل، آرای داوری مربوط به تجار ایرانی یا خارجی بدون تشریفات اضافی مورد شناسایی و اجرا قرار گیرد.

۶. بهبود و ساده‌سازی رویه‌های اجرایی

پیشنهاد می‌شود با راه‌اندازی سامانه‌های الکترونیکی، اطلاعات مورد نیاز مراجع قضایی و نهادهای اجرایی (بانک مرکزی، اداره ثبت اسناد، نیروی انتظامی و...) به سرعت تبادل شود تا از تکرار فرایندهای موازی یا ارسال نامه‌های کاغذی جلوگیری شود. کاهش تعداد مجوزها و تشریفاتی که ذی‌نفع رأی داوری باید طی کند، به تسریع فرآیند اجرا می‌انجامد و انگیزه سرمایه‌گذاران برای داوری در ایران را افزایش می‌دهد. راه‌اندازی سامانه‌هایی که امکان ابلاغ الکترونیکی اوراق داوری، ثبت درخواست‌های شناسایی و اجرای رأی، و پیگیری آنلاین پرونده را فراهم کند، از اتلاف وقت و هزینه طرفین می‌کاهد. در نظام‌های حقوقی پیشرو، مدیریت پرونده‌های داوری به صورت دیجیتال انجام می‌شود و اکثر اسناد از طریق سامانه‌های امن الکترونیکی ردوبدل می‌گردد. ایران نیز می‌تواند با حرکت به این سمت، در کوتاه‌مدت بهره‌وری دستگاه قضایی را ارتقاء دهد و از صدور آرای متعارض جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

اجرای کارآمد آرای داوری خارجی در ایران، نه تنها یکی از ضرورت‌های حیاتی برای توسعه تجارت بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، بلکه نشانه‌ای از پختگی و کارآمدی نظام حقوقی کشور به شمار می‌رود. پژوهش حاضر نشان داد که موانع متعدد داخلی و بین‌المللی بر سر راه اجرای آرای داوری قرار دارد؛ از جمله خلأهای قانونی، تشتت رویه قضایی، تفسیر موسع از نظم عمومی، تحریم‌ها، عدم همکاری قضایی گسترده و محدودیت‌های بانکی.

برای رفع این چالش‌ها، اصلاحات چندوجهی پیشنهاد شد: از به‌روزرسانی قانون داوری تجاری بین‌المللی و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی گرفته تا ایجاد شعب تخصصی، تعیین معیارهای دقیق برای نظم عمومی، بهبود همکاری‌های بین‌المللی و ساده‌سازی رویه‌های اداری و بوروکراتیک. اجرای موفق این راهکارها مستلزم حمایت جدی دستگاه قضایی، قانون‌گذاران، نهادهای اجرایی و تعامل مؤثر با سایر کشورهای مهم تجاری است. امید است با تحقق این اصلاحات، ایران گام بلندی در جهت تقویت جایگاه حقوقی و اقتصادی خود در عرصه بین‌الملل بردارد.

بر اساس مباحث مطرح‌شده، یکی از مهم‌ترین ریشه‌های ناکارآمدی در اجرای آرای داوری خارجی، خلأهای موجود در قانون داوری تجاری بین‌المللی و آیین دادرسی مدنی است. تشتت رویه قضایی و عدم وجود دادگاه‌های تخصصی از دیگر موانع داخلی به‌شمار می‌روند. در سطح بین‌المللی، تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی به‌طور مستقیم بر امکان جابه‌جایی وجوه محکوم‌به تأثیر می‌گذارند. همچنین کمبود معاهدات قضایی یا استفاده نامناسب از کنوانسیون‌های بین‌المللی، شناسایی و اجرای آرای داوری را با چالش روبه‌رو می‌سازد.

رفع موانع مذکور، بدون اصلاحات بنیادین در ساختار حقوقی کشور امکان‌پذیر نیست. اصلاح و به‌روزرسانی قوانین، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی، ایجاد شعب تخصصی و بازنگری در رویکرد قضات نسبت به مفهوم «نظم عمومی» از جمله اقدامات ساختاری ضروری است. در این پژوهش، به تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی به‌عنوان یکی از موانع مهم اشاره شد؛ اما نیازمند مطالعات تفصیلی‌تری است تا تأثیر دقیق تحریم‌ها بر روند اجرای آرای داوری خارجی تحلیل و برای مقابله با آن‌ها، راهکارهایی عملی ارائه شود. گرچه در این پژوهش به برخی نظام‌های حقوقی پیشرو مانند فرانسه، انگلستان و سوئیس اشاره شد، اما بررسی عمیق‌تر نظام‌های هم‌تراز ایران (از جمله ترکیه، مالزی یا برخی کشورهای منطقه) می‌تواند الگوهای واقعی‌تر و بومی‌تری برای اصلاحات در اختیار قانون‌گذاران و دستگاه قضایی ایران قرار دهد. همچنین پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه‌های اقتصادی - حقوقی می‌تواند مشخص کند که قوانین و رویه‌های داوری چگونه می‌توانند در افزایش یا کاهش سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار باشند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Arbitration is recognized as one of the most effective and widely used mechanisms for resolving international commercial disputes. In today's globalized economy, the ability to enforce arbitral awards efficiently is crucial for fostering trust and encouraging cross-border investments. Despite the enactment of the *International Commercial Arbitration Act* in Iran, the enforcement of foreign arbitral awards continues to encounter significant obstacles. These barriers stem from legal ambiguities, inconsistencies in judicial interpretations, an expansive definition of public order, and political as well as economic constraints. The present study investigates the legal foundations and regulatory framework that govern the enforcement of foreign arbitral awards in Iran, identifying and analyzing the key challenges faced by the Iranian legal system. Through a comparative analysis with leading legal systems and international standards, the study aims to propose comprehensive reforms to address the identified shortcomings. The reform proposals include legislative amendments, the establishment of specialized courts for international arbitration, a more precise definition of public order, and enhanced international cooperation through rigorous adherence to global conventions such as the *New York Convention*. Ultimately, the study emphasizes that overcoming these challenges will facilitate foreign trade and investment, thereby bolstering global confidence in the Iranian legal system (Al-Fahdawi & Al-Juboary, 2022; Bashiri & Nouri, 2017).

One of the primary obstacles to the enforcement of foreign arbitral awards in Iran is the inconsistent and sometimes contradictory judicial interpretations of the concept of public order. The broad and subjective nature of public order has led to unpredictable judicial decisions, creating uncertainty for foreign investors and business entities. Iranian courts often apply an expansive definition of public

order, which goes beyond internationally accepted norms, thereby creating a restrictive environment for the enforcement of foreign awards (Barbosa & Loreto, 2017; Harris, 2020). This unpredictability discourages foreign parties from considering Iran as a favorable venue for dispute resolution. A comparative analysis of successful legal systems, such as those of France, the United Kingdom, and Switzerland, reveals a more restrictive interpretation of public order, which limits judicial intervention to cases of fundamental breaches of national values and legal principles. Aligning Iran's judicial approach with these best practices will require legal reforms and judicial training to ensure a more uniform and investor-friendly interpretation of public order.

Another major impediment is the lack of specialized courts and adequately trained judges to handle international arbitration cases effectively. Unlike jurisdictions with established arbitration-friendly judicial frameworks, Iran's judiciary lacks the specialized knowledge and expertise required to interpret complex arbitration laws and international conventions accurately (Fulena & Chitto, 2023; Lowe, 2018). Consequently, the enforcement process is often delayed, leading to increased litigation costs and prolonged uncertainty for the parties involved. The establishment of dedicated arbitration courts staffed with trained judges is essential for ensuring the effective enforcement of foreign arbitral awards. Furthermore, Iran's accession to the *New York Convention* has not yet translated into consistent and predictable enforcement practices. The absence of clear procedural guidelines and practical inconsistencies in the application of the convention's provisions further exacerbate enforcement challenges. Strengthening judicial capacity through continuous education and harmonizing domestic legal frameworks with international best practices is crucial to addressing this issue.

Political and economic factors also contribute significantly to the enforcement challenges faced in Iran. International sanctions, fluctuating economic policies, and regulatory instability undermine the effectiveness of the arbitration enforcement framework. Sanctions imposed by foreign governments have resulted in practical difficulties in executing awards that require financial transactions with foreign entities (Azaria, 2020; Thomas & Dhillon, 2017). Additionally, economic fluctuations and bureaucratic inefficiencies create further obstacles, as enforcement procedures often involve multiple governmental and financial institutions with conflicting regulatory requirements. Addressing these barriers requires a multi-faceted approach that includes adopting more transparent and streamlined enforcement mechanisms, enhancing judicial independence, and fostering greater international cooperation through bilateral and multilateral treaties aimed at facilitating cross-border enforcement of arbitral awards.

Comparative legal analysis provides valuable insights into how other jurisdictions have successfully tackled similar enforcement challenges. Countries such as the United Kingdom have established robust legal frameworks that prioritize arbitration-friendly policies and minimize judicial intervention, thus fostering a conducive environment for foreign investment (Campbell, 2024; Reisman et al., 2015). Switzerland's arbitration system, renowned for its neutrality and efficiency, offers a clear and consistent set of rules for enforcing foreign awards, supported by a well-trained judiciary and a comprehensive legal framework (Nahnybida, 2020). By adopting key elements from these jurisdictions—such as expedited enforcement procedures, clear criteria for public order exceptions, and judicial specialization—Iran can improve its arbitration enforcement regime and enhance its attractiveness as a dispute resolution hub in the region.

To address the identified challenges, several reform proposals have been put forth in this study. First and foremost, legislative amendments are necessary to clarify ambiguities in the enforcement framework and provide clear guidelines for the recognition and execution of foreign arbitral awards.

These amendments should align Iran's domestic legal provisions with international standards, such as those set out in the *UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration*. Additionally, the creation of specialized arbitration courts with dedicated judges and streamlined procedures will facilitate more efficient enforcement. Public order exceptions should be narrowly defined to prevent arbitrary judicial interventions that could undermine the enforcement process. Finally, increased international cooperation and adherence to enforcement mechanisms under international conventions will enhance Iran's credibility in the global arbitration community and foster a more arbitration-friendly business environment.

In conclusion, the enforcement of foreign arbitral awards in Iran faces a complex interplay of legal, judicial, economic, and political challenges. Addressing these challenges requires a comprehensive reform strategy that includes legislative improvements, judicial capacity-building, and enhanced international cooperation. By implementing these reforms, Iran can position itself as a more reliable and attractive destination for international arbitration, ultimately contributing to the growth of foreign trade and investment in the country. The study underscores the importance of aligning Iran's arbitration enforcement practices with global standards to foster economic growth and legal predictability. Further research and policy initiatives should focus on continuous legal harmonization and the implementation of best practices derived from successful arbitration jurisdictions.

References

- Al-Fahdawi, O. H. B., & Al-Juboary, M. S. K. (2022). The effect of the rules of public order in disturbing legal security (Comparative legal study). *Journal of STEPS for humanities and social sciences*, 1(3). <https://doi.org/10.55384/2790-4237.1078>
- Azaria, D. (2020). The Legal Significance of Expert Treaty Bodies Pronouncements for the Purpose of the Interpretation of Treaties. *International Community Law Review*, 22(1), 33-60. <https://doi.org/10.1163/18719732-12341420>
- Barbosa, P. H. d. F., & Loreto, S. (2017). O mito de Jano: as duas faces da ordem pública no Direito Internacional Privado. 12(12). <https://doi.org/10.5902/2357797529929>
- Bashiri, A., & Nouri, H. (2017). An investigation of the role of domestic courts in international commercial arbitration in iranian law. *Lex Humana*, 9(2), 20-39.
- Campbell, M. (2024). *The Model Law Approach to International Commercial Arbitration*. <https://doi.org/10.4337/9781802203738>
- Chen, Y. (2023). The "Externalities" of Joint Interpretations in Investment Arbitration: Learning from the Past. *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, 22(1), 194-218. <https://doi.org/10.1163/15718034-bja10089>
- Fulena, V., & Chitto, H. B. (2023). International Commercial Litigation and Arbitration Research Essay. *International Journal of Social Science and Human Research*, 6(2). <https://doi.org/10.47191/ijsshr/v6-i2-70>
- Harris, C. (2020). Claims with an Ulterior Purpose: Characterising Disputes Concerning the "Interpretation or Application" of a Treaty. *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, 18(3), 279-299. <https://doi.org/10.1163/15718034-12341405>
- Linderfalk, U. (2015). Is Treaty Interpretation an Art or a Science? International Law and Rational Decision Making. *European Journal of International Law*, 26(1), 169-189. <https://doi.org/10.1093/EJIL/CHV008>
- Lowe, V. (2018). Customary Principle of Sovereignty of States in the Nicaragua Case. In (pp. 269-279). https://doi.org/10.1007/978-3-319-62962-9_11
- Nahnybida, V. (2020). Реалізація принципу автономії волі сторін при визначенні права, застосовного до суті спору в міжнародному комерційному арбітражі. 6-21. <https://doi.org/10.37491/UNZ.77.1>
- Naqib Ishan, J. M. (2014). The role of arbitration in the resolution of international commercial disputes. *IJUM Law Journal*, 22(2). <https://doi.org/10.31436/IJUMIJ.V22I2.137>
- Reisman, W. M., Craig, W. L., Park, W. W., & Paulsson, J. (2015). *International commercial arbitration: cases, materials, and notes on the resolution of international business disputes*.

- Schmalenbach, K. (2022). Acts of International Organizations as Extraneous Material for Treaty Interpretation. *Netherlands International Law Review*, 69(2), 271-293. <https://doi.org/10.1007/s40802-022-00224-y>
- Thomas, J. C., & Dhillon, H. K. (2017). The Foundations of Investment Treaty Arbitration: The ICSID Convention, Investment Treaties and the Review of Arbitration Awards. *ICSID Review: Foreign Investment Law Journal*, 32(3), 459-502. <https://doi.org/10.1093/ICSIDREVIEW/SIX013>
- Waincymer, J. (2009). International Commercial Arbitration and the Application of Mandatory Rules of Law. *Asian Int'l Arb. J.*, 5, 1.